



پیرامتن در برگردان اثر ادبی: مطالعه موردی سفرنامه نیکلا بوویه

ایلمیرا دادور^۱، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه تهران

مقدمه

«کتاب‌ها همیشه از کتاب‌های دیگر سخن می‌گویند؛

هر قصه قصه‌ای را که پیش از این گفته شده بازگو می‌کند» (اومبرتو اکو^۲)

ارتباط هر متن با دیگر متن‌ها از موضوعات مهمی است که با ساختارگرایی و پس‌اساختارگرایی گره خورده است. ژولیا کریستوا^۳، نخستین بار در دهه ۱۹۶۰، تحت تأثیر «منطق گفت‌وگویی»^۴ باختین^۵، اعلام کرد هیچ متنی نمی‌تواند از نقطه صفر آغاز شود و حتماً متأثر از متن یا متن‌های پیش از خود یا همزمان خود است و اصطلاح بینامتنیت^۶ را برای هر نوع ارتباط میان متن و دیگر متن‌ها مطرح کرد (رابو ۵۴). ژرار ژنت^۷، در ادامه مطالعات کریستوا و با عمیق‌تر شدن در موضوع، برای هر نوع رابطه میان متن با متن‌های دیگر یا غیرخود، واژه جدید ترامتنیت^۸ را برگزید و در کتاب *آستانه‌ها*^۹ (۱۹۸۷) به طور مفصل به تقسیم‌بندی آن پرداخت.

پیرامتنیت^{۱۰} (که در این مقاله به آن پرداخته خواهد شد) در نزدیک کردن خواننده به مقاصد درونی نویسنده از نگارش کتاب راهگشاست. پیرامتن‌ها، همانند آستانه‌ها

1. idadvar@ut.ac.ir

2. Umberto Eco

3. Julia Kristeva

4. dialogisme

5. Mikhail Bakhtin

6. intertextuality

7. Gérard Genette

8. transtextualité

9. *Seuils*

10. paratextualité

(منویات مؤلف)، مخاطب را به جهان درون و پیرامون متن می‌برند تا او را با دنیای ناشناخته یا دنیایی که کم‌تر توجهی برانگیخته است بهتر آشنا کنند.

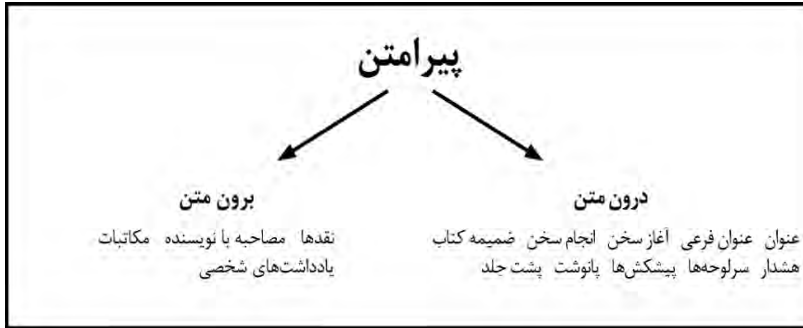
غیر از آرایش و طرح روی جلد، عنوان و عنوان فرعی، از عمده‌ترین حوزه‌های پیرامتنی می‌توان به «پیشکش‌نامه‌ها، سرلوحه‌ها، سبب تألیف و مقدمه‌ها اشاره کرد، حوزه‌ای که - همچنان‌که ژنت نشان می‌دهد - می‌تواند در فهم و تأویل متن اثرات عمده‌ای داشته باشد» (آلن ۱۵۳). به تعریفی دیگر، پیرامتن نشانگر آن عناصری است که در آستانه متن قرار گرفته‌اند و دریافت خوانندگان از متن را جهت‌دهی و کنترل می‌کنند (همان ۱۵۰). برای مثال، هرگاه متنی را می‌خوانیم، چه بسا پرسش‌های گوناگونی درباره آن در ذهن ما شکل بگیرد: متن در چه زمانی انتشار یافته است؟ چه کسی آن را نوشته؟ به چه قصدی؟ چه انتخابی برای عنوان و طرح روی جلد بوده؟

این پرسش‌های ساده در چارچوب عناصر پیرامتنی ژنت قرار می‌گیرند و در نهایت به خواننده نشان می‌دهند که متن را چگونه بخواند یا نخواند. در خوانش متن ترجمه این پرسش‌ها یقیناً پررنگ‌تر می‌شوند، زیرا متن از زبانی به زبانی دیگر سفر می‌کند. در بحث دشواری‌های زبان، به ویژه در ترجمه، یا کوبسن^۱ عقیده دارد: «آنچه زبانی را از زبانی دیگر متمایز می‌سازد الزام به بیان صحیح در آن زبان است و نه صرف داشتن توان این کار (به نقل از: شورل^۲ ۴۶). و این مهم باید در ترجمه صورت گیرد تا ارتباط خواننده با نویسنده اصلی متن قطع نشود و او در بطن نوشتار قرار گیرد.

پیرامتنیت

پیرامتنیت یکی از پنج نوع روابط بینامتنی، یعنی: سرمتنیت^۳، پیرامتنیت، فرامتنیت^۱، ترامتنیت، بیش‌متنیت^۲ است که ژنت در کتاب *آستانه‌ها* به آن می‌پردازد. از نظر ژنت، پیرامتن می‌تواند «درون متن^۳» باشد یا «برون متن^۴» (به نقل از: آلن ۱۵۰).

1. Roman Jakobson
2. Yves Chevrel
3. architextualité



با توجه به الگوی بالا درمی‌یابیم نویسنده پیرامتن‌هایی همچون عنوان اثر، مقدمه‌ها، طرح روی جلد، اهداییه‌ها و پیشکش‌ها، کتیبه آستانه کتاب یا سرلوحه و غیره را به شکلی سنجیده در پیرامون اثر قرار داده است. در کنار این عناصر، عوامل فرهنگی نیز سهم قابل توجهی در چگونگی تولید پیرامتن‌ها دارند. اما این عوامل تا کجا اجازه ورود به متن اصلی یا تغییر آن را دارند؟ گاهی در چاپ ترجمه اثر هیچ تغییر پیرامتنی رخ نمی‌دهد و همه پیرامتن‌های کتاب اصلی در ترجمه هم دیده می‌شود. گاه ناشر تصویر روی جلد را نگه می‌دارد و اهداییه‌ها را حذف می‌کند. گاهی هم آن‌چنان دخالت و دگرگونی‌هایی اتفاق می‌افتد که خواننده مقصد از اصل کتاب و هدف نویسنده دور می‌ماند. از آنجا که پیرامتنیت به رابطه میان متن و پیرامتن‌های درون‌متنی و برون‌متنی آن اشاره دارد، عوامل پیرامتنی در ترجمه، اگر همسو با اصل اثر باشد، می‌تواند خواننده را در درک عمیق‌تر اثر یاری رساند و حتی با پیچیدگی‌های فرهنگی جامعه زبان مبدأ آشنا سازد، و در غیر این صورت، پیرامتنی مانند تصویر روی جلد یا نوشته پشت جلد به سادگی ممکن است ارتباط خواننده با متن را قطع کند.

نیکلا بوویه و راه و رسم دنیا

نیکلا بوویه، روزنامه‌نگار و نویسنده سوئیسی، در سال‌های ۱۹۵۳-۱۹۵۴، به قصد دیدن گذرگاه خیبر در مرز افغانستان و پاکستان امروزی و سپس رسیدن به کابل، از ژنو راهی

1. metatextualité
2. hypertextualité
3. pérítex-te
4. építex-te
5. Nicolas Bouvier

سفر شد. در بلگراد بود که دوست نقاشش، تی‌یری ورنه^۱ به او پیوست. بوویه و ورنه شهروندان سوئیس، یعنی کشور رفاه و آزادی، بودند اما بوویه می‌خواست پیش از رسیدن به مقصد، کشورهای اروپای شرقی آن زمان را (آلبانی، چک، بلغارستان ...) که در فقر و توتالیتراریسم کمونیستی به سر می‌بردند نیز از نزدیک ببیند تا بتواند در نوشته‌هایش با قضواتی شخصی از آنها بنویسد. پس از گذشتن از این کشورها و ترکیه، بوویه و همراهش به ایران رسیدند. آنان از مرز ترکیه وارد ایران شدند و یازده ماه بعد از مرز میرجاوه رهسپار مقصد نهایی شدند. بنابراین، بوویه حدود یک سال از نقاط مختلف ایران عبور کرد. مشاهدات بوویه در ایران جالب توجه است، مانند دیدار با نیما یوشیج شاعر و بهمن محمصص تندیس‌پرداز در خانه نیما، که نشانی از آن را در سفرنامه نمی‌بینیم. این مشاهدات در کنار دیگر مشاهدات بوویه شکل می‌گیرند و چنانچه به صورت مجرد مطرح شوند ابتر و ناقص می‌مانند. تصاویر تی‌یری ورنه زینت‌بخش کتاب است و آن را کامل‌تر در اختیار خواننده قرار می‌دهد. در کتاب فرانسوی، طرح روی جلد و عنوان کتاب نخستین پیرامتن‌هایی هستند که نظر خواننده را جلب می‌کنند.

عناصر اصلی پیرامتن

الف) عنوان. نخستین و اصلی‌ترین پیرامتن هر اثر عنوان آن است. عنوان باید درست انتخاب شود. عنوان بد ممکن است به اثر لطمه بزند. بوویه برای سفرنامه خود عنوان *راه و رسم دنیا*^۲ را برگزید. نباید فراموش کرد که عنوان، همراه با تصویر یا بدون آن، باید علاقه و کنجکاوی خواننده را برانگیزد تا برای مطالعه دست به سوی آن کتاب دراز کند. عنوان مجموعه‌ای است از نشانه‌ها، کلمات و حتی جمله‌هایی که بر روی جلد اثر قرار می‌گیرند تا آن را تعریف و بر آن دلالت کنند. عنوان درون‌مایه اثر را هدف می‌گیرد تا طرفداران چنین موضوعی را به خود جذب کند. برای مثال، وقتی با عنوان *رمان ال‌دورادو*^۳ (۲۰۰۶)، اثر لوران گده^۴، مواجه می‌شویم، حدس می‌زنیم که درون‌مایه داستان باید **رؤیای** زندگی مرفه باشد. ژنت برای عنوان سه بخش در نظر می‌گیرد: عنوان اصلی یا عنوان روی

1. Thierry Vernet

2. *L'usage du monde*

3. *Eldorado*

4. Laurent Gaudé

جلد، عنوان داخلی که در آغاز هر فصل می‌آید، و عنوان فرعی که معمولاً تعریفی عام برای اثر است و نوع نوشته (جستار، شعر، نمایشنامه، داستان کوتاه یا بلند) را مشخص می‌کند، مانند کتاب *تقد مضمونی* که عنوان فرعی آن *درک مقوله‌های زمان و مکان* است.

عنوان اصلی شناسنامه موضوعی هر اثر است. «عنوان اصلی نشانه‌ای بارز از فرهنگ مکانی و زمانی است که اثر در آن نشان دارد و بر همین اساس است که ما نمی‌توانیم عنوانی را بیابیم که مستقل پدیدار شده و از فرهنگ پیرامونی‌اش تأثیر نگرفته باشد» (زُنت ۶۲).

ب) طرح روی جلد. طرح روی جلد کتاب هم پیرامتنی درون‌متنی است همراه با پیام. برای مثال، کتاب‌های نشر فرانسوی مینیوی^۱، که اغلب آثار نویسندگان رمان نو را منتشر می‌کند، سفید ساده است و عنوان کتاب با رنگ سرمه‌ای روی آن درج می‌شود. روی جلد کتاب‌های گالیمار^۲، معروف‌ترین ناشر ادبی فرانسه، نیز کرم رنگ است و عنوان کتاب، به رنگ قرمز، در آن پس‌زمینه آن کتاب را از کتاب سایر ناشران متمایز می‌کند.

یکی از مشخصه‌های پیرامتن‌های درون‌متنی کتاب بوییه قطع جیبی آن است. سپس



نوبت به تصویر روی جلد می‌رسد که اثر تی‌یری ورنه است: دو مرد سوار بر الاغی هستند. یکی درست نشسته است و مقابل خود را نگاه می‌کند. لباس و کلاه‌های که بر سر دارد نشان از شرقی بودن او دارد. مقابل او، روی همان الاغ، مرد دیگری نشسته است که کلاه و لباسش گواه غیرشرقی (غربی) بودن اوست. تصویرشناسی به ما می‌گوید که مرد شرقی مقابل خود را نگاه می‌کند و راهی که باید برود راهی آشنا است اما مرد غیرشرقی به راهی که از آن آمده است چشم دوخته و راهی را

می‌پیماید که آن را ندیده و برایش آشنا نیست. مرد شرقی گویی استوارتر و با اعتماد به نفس بیشتر بر مَرکَب قرار گرفته است درحالی‌که به نظر نمی‌آید مرد غریبه چندان راحت باشد. هر دو دست در جیب کرده‌اند و سر نزاع ندارند اما روبه روی هم قرار گرفتن این دو مرد الاغ‌سوار آنان را به قضاوت دربارهٔ یکدیگر سوق داده است: یکی **خودی** است و آن یکی **دیگری**.

این تصویر پر از معنا است. بر روی همین جلد، نام نویسنده به رنگ مشکی نوشته شده است، عنوان به رنگ قرمز، و زیر عنوان کتاب، با خط ریزتر و همان رنگ قرمز، نام تصویرگر کتاب را می‌بینیم. در پایین جلد نیز نام ناشر قید شده است.

ج) عنوان داخلی. همان گونه که اشاره شد، هر فصل یا بخش از کتاب می‌تواند عنوانی داشته باشد. عنوان هر فصل یا بخش متناسب با محتوای آن فصل یا بخش انتخاب می‌شود. تفاوت عنوان اصلی و عنوان داخلی این است که می‌توان از عنوان داخلی صرف نظر کرد اما هر کتابی باید عنوان اصلی داشته باشد.

د) عنوان فرعی. همیشه لزومی ندارد کتاب عنوان فرعی داشته باشد. عنوان فرعی معمولاً به اقتضای مخاطب ویژهٔ کتاب تعیین می‌شود و، از نظر ژنت، نوع اثر را برای خواننده مشخص می‌کند. برای مثال، میشل آنفری^۱، فیلسوف معاصر فرانسوی، کتابی دارد با عنوان *نظریهٔ سفر*^۲. در زیر این عنوان اصلی، با خط ریزتر، عنوانی فرعی آمده است: *بوطیقای جغرافیا*^۳. با این عنوان اصلی و عنوان فرعی، مخاطب کتاب پیشاپیش مشخص می‌شود.

ه) پیشکش. یکی دیگر از عناصر مهم پیرامتنی «پیشکش» است. نوعی احترام، ادای دین، تشکر از کس یا کسانی که در قید حیات هستند یا از دنیا رفته‌اند. اهدایه یا پیشکش در نخستین صفحهٔ اثر قرار می‌گیرد. مثلاً، در نخستین صفحهٔ کتاب *خاموشی دریا*^۴، اثر ورکور^۵، پیشکشی عام می‌بینیم با چنین مضمونی: «این مجموعه به نویسندگانی اهدا شده است که به جنگ معنوی پرداخته‌اند و امروز جسدشان در دل خاک فرانسه نهفته است».

1. Michel Onfray

2. *Théorie du voyage*

3. *Poétique de la géographie*

4. *Le silence de la mer*

5. Vercors

و) **سرلوحه**. پیرامتن سرلوحه جمله یا شعری است که معمولاً از نویسنده یا شاعر دیگری در صفحه‌ای مستقل، پیش از متن اصلی، یا بالای متن اصلی با حروف ریزتر آورده می‌شود. به آن کتیبه هم می‌گویند. سرلوحه ممکن است ارتباط مستقیمی با متن اصلی نداشته باشد اما اندیشه خواننده را برمی‌انگیزد. برای مثال، در آغاز داستان «مرد نیم‌تنه و مسافرش» از کتاب *جسم می‌رود و جان می‌ماند*، اثر آندره شیدید، جمله‌ای از بوریس ویان به صورت سرلوحه آمده است:

«همیشه چیزی کم داریم
ای کاش مهم باشد.»

پس از خواندن داستان پی می‌بریم که این جمله بوریس ویان در ارتباط مستقیم با داستان است: هر دو شخصیت داستان چیزی کم دارند و آن داشتن یک دوست است. در صفحه ۷ کتاب *راه و رسم دنیا* و قبل از شروع پیش‌گفتار، که خود از پیرامتن‌های درون‌متنی است، جمله‌ای از شکسپیر می‌خوانیم:

*I shall be gone and live
or stay and die.*
Shakespeare

یا باید بروم و زندگی کنم
یا بمانم و بمیرم.
شکسپیر

نیکلا بوویه جمله را به همین صورت به زبان انگلیسی آورده است، فارغ از برگردان آن به فرانسه، آن هم برای مخاطبی که زبان انگلیسی بلد نیست. این سرلوحه توجیهی است برای سفرهای متعدد نیکلا بوویه. **ز) آغاز سخن**. از دیگر پیرامتن‌ها «آغاز سخن» است که در همه آثار دیده نمی‌شود اما شروع سفرنامه نیکلا بوویه با «آغاز سخن» کوتاهی همراه است که در آن، بوویه از تصمیم خود می‌گوید و از این که سفر او دوساله پیش‌بینی شده است، اما فقط برای چهار ماه خرج سفر اندوخته است؛ می‌گوید که تی‌پری ورنه، دوست تصویرگرش، قرار است در بلگراد به او بپیوندد، و سرانجام، از این که «سفر بی‌نیاز از دلیل است» (بوویه ۱۲). طرحی از تصویرگری‌های ورنه هم در آغاز سخن بوویه گنجانده شده است.

ح) تصویر. از پیرامتنِ تصویر پرمعنای روی جلد کتاب سخن رفت. کتاب‌هایی هم هستند، به ویژه برای کودکان، که در داخلشان نیز تصویرهایی به فهم داستان کمک می‌کند. در رمان‌ها و کتاب‌هایی که برای مخاطب بزرگسال نوشته می‌شود کمتر تصویر به کار می‌رود. البته در سفرنامه‌ها معمولاً تصاویری از مکان‌های تاریخی و دیدنی می‌آید، مانند سفرنامهٔ اوژن فلاندن^۱ که با تصاویر بسیار زیبا و ظریف پاسکال کُست^۲ آراسته شده است. تصاویر داخلی یکی از آستانه‌های درون‌متنی است.

تصویرهای تی‌بری ورنه بیشتر ذغالی و انتزاعی است و همان‌ها را در لابه‌لای صفحات کتاب مشاهده می‌کنیم.

ط) پشت جلد. پشت جلد کتاب در شمار پیرامتن‌های مهم اثر است. پشت جلد بعضی از کتاب‌ها ساده و بدون هیچ نوشته‌ای است. در برخی از کتاب‌ها، عکسی از نویسنده یا شاعر در پشت جلد گنجانده می‌شود اما بیشتر اوقات چند سطری از کتاب آورده و نویسنده و آثارش معرفی می‌شود. در پشت جلد راه و رسم دنیا آمده است: «سفر بی نیاز از دلیل است. سفر خیلی زود ثابت می‌کند که خودش دلیلی است کافی. خیال می‌کنید که سفری را خواهید ساخت اما طولی نمی‌کشد که متوجه می‌شوید این سفر است که شما را می‌سازد». این پاراگراف کوتاه از صفحهٔ ۱۲ کتاب و بخش «آغاز سخن» به عاریت گرفته شده است. پس از آن هم، با فاصله، وصفی زیبا از کتاب آمده است.

این عناصر را می‌توان مهم‌ترین پیرامتن‌های کتاب راه و رسم دنیا در نظر گرفت.

برگردان فارسی سفرنامهٔ نیکلا بوویه

دَنیل - هانری پاژو^۳، استاد ادبیات تطبیقی دانشگاه سوربن، با نگاهی مثبت می‌گوید:

در زبان مبدأ، هر ترجمه‌ای ممکن است از دست‌رفته شمرده شود اما ترجمه برای زبان مقصد خوانش جدیدی است که می‌تواند مفاهیم تازه‌ای به اصل اثر بیفزاید [...]. باید پذیرفت که به

1. Eugène Flandin

2. Pascal Coste

3. Daniel-Henri Pageaux

همراه ترجمه، متنی در آینه زبان و فرهنگ دیگری تجلی پیدا می‌کند و این آینه نمایانگر تصویری است دیگر، نه تصویری دور از وفاداری به متن اصلی» (پاژو ۴۲).

بدین ترتیب، شاید بتوان دریافت که چگونه ترجمه همواره یکی از بازوهای اصلی



ادبیات و ادبیات تطبیقی شناخته شده است.

کتاب نیکلا بوویه - یا بهتر است بگوییم بخش مربوط به ایران از این کتاب - را ناهید طباطبایی، نویسنده‌ای شناخته‌شده، در ۱۳۹۷ به فارسی برگردانده است.

همان گونه که گفته شد، نقش پیرامتن‌ها بردن مخاطب به جهان درون متن است تا او را با دنیایی ناشناخته یا مغفول بهتر آشنا کند. از نویسنده قدیمی انتظار می‌رود که هنگام ترجمه تمام ظرایف کار را در نظر بگیرد. آنچه در

برگردان فارسی می‌خوانیم فقط بخشی از کتاب است که در ایران می‌گذرد و نه تمام آن. به عبارت دیگر، مخاطب ایرانی از تمام دیده‌های بوویه در خارج از ایران، و از جمله مطالب او درباره اروپای شرقی، محروم است؛ خواننده این بخش از کتاب را ندارد و مثلاً نمی‌داند نیکلا بوویه چگونه خود را به مرز ترکیه رسانده و وارد ایران شده است. این لطمه بزرگی است که به کتاب وارد شده است. اگر این اثر کتاب شعر یا مجموعه داستان بود، می‌شد انتظار داشت که منتخبی از اشعار یا چند داستان ترجمه و ارائه شود اما ترجمه بخش‌هایی از یک سفرنامه فقط به صورت ارجاع در مقاله‌ای پژوهشی جایز است و در غیر آن صورت، متن ناقص می‌شود. کتاب کامل بوویه ۴۱۹ صفحه قطع جیبی است و کتاب ترجمه شده، در قطع رقعی، با توجه به حذف بخش عمده‌ای از کتاب، ۱۵۱ صفحه بیشتر نیست. در ترجمه پیرامتن‌های کتاب نیز اشکالاتی دیده می‌شود که در ادامه بررسی خواهند شد.

الف) تصاویر روی جلد و درون کتاب. نگارنده در نخستین مواجهه با روی جلد برگردان فارسی کتاب، تصور کرد عکسی می‌بیند از صادق هدایت که در بالکن مسافرخانه‌ای، مشرف به یک گاراژ مسافربری، نشسته است و چیزی می‌نویسد؛ البته نگارنده زود متوجه شد که صاحب عکس هدایت نیست اما هر آنچه در این روی جلد دیده می‌شود پرسش‌برانگیز است.

مشخص نیست چرا در ترجمه کتاب از تصویر اصلی، که رنگی بود و از روی فکر به کار رفته بود، استفاده نشده و تصویری سیاه‌وسفید، بدون دلالت معنایی، جای تصویر اصلی را گرفته است. مگر هدف بویژه نشان دادن تقابل دو فرهنگ خودی و دیگری نبود؟ چرا موضوعی چنین مهم با انتخاب سرسری عکسی سیاه‌وسفید، که هیچ دلالت معنایی مرتبیطی با موضوع کتاب ندارد نادیده گرفته شده است؟ هدف ناشر ایرانی از انتخاب این عکس چه بوده و چه ارتباطی میان عکس روی جلد و محتوای کتاب است؟ از منظر تصویرشناسی، روی جلد این کتاب در چارچوب نگاه بررسی می‌شود. این روی جلد سیاه‌وسفید هیچ ارتباطی به نگاه و قضاوت حاصل از آن ندارد. افزون بر تغییر تصویر جلد، در داخل کتاب نیز هیچ تصویری وجود ندارد و طبیعتاً نامی از تصویرگر کتاب اصلی، تی‌بری ورنه، نیز بر روی جلد مشاهده نمی‌شود. نبود نام و تصویرهای او لطمه‌ای دیگر به کتاب و پیرامتن آن زده است. ناشر معتبر و مترجم شناخته‌شده هر دو در این کاستی‌ها سهیم هستند زیرا مخاطب فارسی‌زبان نمی‌تواند آن ارتباط معنایی را که نویسنده اثر و تصویرگرش در پی آن بودند با ترجمه فارسی کتاب برقرار کند.

ب) پشت جلد. تصویر پشت و روی جلد یکی است: همان مردی که در بالکن نشسته و مشغول نوشتن است، بدون دلالت معنایی بر محتوای کتاب. جملاتی هم که برای پشت جلد کتاب فارسی انتخاب شده است، در مقایسه با پشت جلد کتاب اصلی، هیچ امتیاز ویژه‌ای ندارد. این جمله‌ها انتخابی است از صفحه ۱۱۲ برگردان کتاب، مربوط به شب پیش از حرکت، و صحبت از مغازه‌دارانی است که شب‌های تابستان در پیاده‌رو مقابل مغازه‌شان می‌خوانند. تنها عبارتی که می‌تواند توجه را جلب کند خیابان هدایت است.

ج) **عنوان‌های اصلی، فرعی و داخلی.** در نظر خواننده فارسی‌زبان، عبارت «شیر و خورشید»، که با حروف درشت روی جلد آمده، عنوان اصلی کتاب است در صورتی که این یک عنوان داخلی مربوط به صفحه ۱۲۵ کتاب است. عنوان اصلی کتاب، یعنی راه و رسم دنیا، نیز با حروف کوچک‌تر آمده و گویی پشت شیر و خورشید پنهان شده است، یعنی عنوان اصلی در ترجمه فارسی به عنوانی فرعی بدل شده است. ممکن است خواننده ایرانی با ملاحظه توضیحات مترجم متوجه شود کدام عنوان اصلی است و کدام فرعی اما دیگر دیر شده و پیرامتن به بیراهه رفته است.

د) **سرلوحه در متن فارسی.** همان گونه که اشاره شد، بوویه پیش از آغاز سخن، در صفحه‌ای جداگانه، سرلوحه‌ای از شکسپیر را به زبان انگلیسی آورده است که پیرامتنی است در ارتباط کامل با محتوای کتاب اما متأسفانه این پیرامتن در ترجمه فارسی کتاب حذف شده و جمله یا شعری هم جانشین آن نشده است.

در پایان متن اصلی سفرنامه، تقریباً نصف صفحه سفید مانده است. این بخش سفید، که در برخی کتاب‌ها شاهد آنیم، مجالی فراهم می‌آورد برای خیال پردازی، و در اینجا برای استراحت پایانی. در متن اصلی، با فاصله‌ای، جمله‌ای از امرسون^۱ با این مضمون پایان‌بخش کتاب شده است: «... گسترش بحق [دیدمان] بهره‌ای است واقعی؛ یک بار که مرزها را درنوردیدیم، دیگر هرگز آن فخر فروش مفلوک گذشته نخواهیم بود» (بوویه ۴۱۹). چون ترجمه فارسی راه و رسم دنیا بسیار کوتاه‌تر از متن اصلی است، مخاطب فارسی‌زبان با این جمله پایانی مواجه نمی‌شود.

ه) **عناصر برون‌متنی.** به گفته ژنت، پیرامتن، همچنان که از پیشوند دوپهلوی آن برمی‌آید، شامل همه آن مواردی است که هرگز، به طور مشخص، متعلق به متن اثر نبوده‌اند، اما در ارائه متن - یا «احضار» آن - از راه شکل دانش در قالب کتاب سهمیم هستند. پیرامتن نه تنها نشانگر منطقه حائلی میان متن و نا-متن^۲ بوده،

1. Emerson

2. Hors-texte

بلکه یک دادوستد است (به نقل از: آلن ۱۵۱). عناصر برون‌متنی، برای مثال، مصاحبه‌ها، آگهی‌های تبلیغاتی برای معرفی اثر، نقد و نظرهای منتقدان و جویبه‌های خطاب به آنان، نامه‌های خصوصی و دیگر موضوعات مربوط به مؤلف یا تدوینگر اثر را در بر می‌گیرد (همان ۱۵۰).

در ترجمه فارسی سفرنامه بوویه نیز مهم‌ترین عناصر برون‌متنی مصاحبه‌های مترجم و ناشر است که هر دو از این کتاب با عنوان «سفرنامه ایران» نیکلا بوویه یاد کرده‌اند، در حالی که بوویه هیچ‌گاه سفرنامه‌ای با این عنوان ننوشته است. مترجم نیز چندین بار بخش‌هایی از برگردان ناقص متن را در فضای مجازی با همین عنوان خوانده است.

نتیجه‌گیری

مهم‌ترین رسالت ترجمه وفاداری به متن اصلی است. در ترجمه ادبی، مترجم باید تمام توان خود را به کار گیرد تا نوشته‌اش در زبان مقصد بوی ترجمه ندهد و بازآفرینی اثر باشد. در کنار بازآفرینی موفق اثر، عناصر تأثیرگذاری مانند پیرامتن‌های درون‌متنی و برون‌متنی بازوهایی هستند که می‌توانند جلوه متن را در زبان مقصد بیشتر و گیراتر کنند. زمانی که بخشی از متن، به ویژه متن ادبی و در ژانر سفرنامه، در ترجمه حضور پیدا نمی‌کند و دیگر عناصر پیرامتنی هم نادیده گرفته می‌شود، به متن ضربه می‌خورد و خواننده زبان مقصد هرگز به بسیاری از عناصر مهم تشکیل‌دهنده متن و چرایی وجود آنها واقف نخواهد شد.

در برگردان فارسی سفرنامه راه و رسم دنیا، مترجم اثر، که نه نویسنده تازه‌کاری است و نه مترجمی ناکارآموده، با حذف بیش از ۲۵۰ صفحه از سفرنامه اصلی و نادیده گرفتن پیرامتن‌های اصلی کتاب (مانند تصویر روی جلد و پشت جلد، سرلوحه و...) لطمه بزرگی به اثر زده است اما شاید مهم‌ترین خطای مترجم و ناشر در حوزه پیرامتنیت برون‌متنی باشد: معرفی ترجمه همچون کتاب مستقل «سفرنامه ایران». چنین کتابی با چنین عنوانی در هیچ منبعی نیامده و این نقض پیرامتنیت اثر و مثله کردن خود اثر است. زحمت نیکلا بوویه برای نوشتن این سفرنامه با از بین رفتن بخش مهمی از آن، حذف تصاویر تی‌پری ورنه، حذف

سرلوحه نقل شده از شکسپیر و جانشین کردن تصویر پرمفهوم روی جلد با تصویری که با متن بوویه ارتباطی برقرار نمی‌کند ارزش کتاب و پیرامتنیت آن را به وضوح خدشه‌دار کرده است.

منابع

- آلن، گراهام. بینامتنیت. ترجمه پیام یزدانجو. تهران: مرکز، ۱۳۸۵.
- بابک معین، مرتضی. نقد مضمونی، آرا اندیشه‌ها و روش‌شناسی ژرژ پوله، درک مقوله‌های زمان و مکان. تهران: علمی و فرهنگی، ۱۳۸۹.
- بوویه، نیکولا، راه و رسم دنیا. ترجمه ناهید طباطبایی. تهران: چشمه، ۱۳۹۷.
- شدید، آندره. جسم می‌رود و جان می‌ماند. ترجمه ایلمیرا دادور. تهران: مشکی، ۱۳۹۳.
- فلاندن، اوژن. سفر به ایران: تصویری از ایران دوران قاجار. ترجمه عباس آگاهی. تصویرسازی پاسکال کست. ویرایش و توضیحات حشمت‌الله انتخابی. اصفهان: نقش مانا، ۱۳۹۳.
- ورکور. خاموشی دریا. ترجمه حسن شهید نورایی. تهران: دنیای نو، ۱۳۸۳.

- Bouvier, Nicolas. *L'usage du monde*. Dessins de Thierry Vernet. Paris: Petite Bibliothèque Payot, 2005.
- Chevrel, Yves. *Littérature comparée*. Série «Que sais-je?». Paris: PUF, 2006.
- ECO, Umberto. *Dire presque la même chose*. Paris: Grasset, 2006.
- Gaudé, Laurent. *Eldorado*. Paris: Actes Sud, 2006.
- Genette, Gérard. *Seuils*. Paris: Seuil, 1987.
- Onfray, Michel. *Théorie du voyage: Poétique de la géographie*. Paris: Le Livre de Poche, 2012.
- Pageaux, Daniel-Henri. *La littérature générale et comparée*. Paris: Coursus, 1994.
- Rabau, Sophie. *L'intertextualité*. Paris: GF Flammarion, 2002.